

وجودم تنها يك «حرف» است و زیستمن تنها همان يك «حرف»؛ اما بر سه گونه: «سخن گفتن»، «معلمی کردن» و «نوشتن».

از «کویر» دکتر علی شریعتی

جستار گشایی

فقدان پارادایم غالب در روابط بین الملل پس از دوران جنگ سرد، سیاستمداران، استراتژیست‌ها و اندیشمندان روابط بین الملل را با بحران روبرو ساخت.^۱ در سطح بین الملل برای خروج از این بحران فکری، راهکارهایی ارائه شد که چندان به مذاق آشنایان با روابط بین الملل خوش نیامد و طیف گسترده آنها تاب مقاومت در برابر انتقادات نکته‌سنجان نداشت. فرانسیس فوکویاما در این دوران با طرح نظریه «پایان تاریخ» ابراز داشت که «احتمالاً شاهد پایان تاریخ به معنای مرحله تکامل ایدئولوژیک بشر و تحقق جهان‌شمولی لیبرال دموکراسی غربی به‌عنوان آخرین شکل حکومت انسانی هستیم. بی‌گمان برخوردها در جهان سوم ادامه خواهد یافت اما درگیری‌های جهانی نه تنها در اروپا بلکه در سطح کره خاکی به پایان رسیده است.»^۲ وی در تحلیل نظریه خود می‌افزاید «امروز پرده مخملی فرهنگ یعنی مهمترین خط تقسیم در اروپا جای پرده آهنین ایدئولوژی را گرفته است.»^۳ جورج بوش نظم نو جهانی را مطرح ساخت.^۴ هنری کسینجر نظریه واقع‌گرایانه مبتنی بر چند قطبی بودن جهان را ارائه نمود.^۵ سپس نظریه راهبری زیگنوبرژینسکی^۶ و نظریه جهانی ثنولبرال‌ها به عرصه روابط بین الملل پای گذارد و آنگاه ساموئل هانتینگتون - که سخت تحت تأثیر تقسیم‌بندی توین‌بی از تمدن‌ها بود^۷ - نظریه رویارویی تمدن‌ها را مطرح نمود که گویا در تقابل با «دنیای پساتاریخ» فوکویاما ارائه گردیده است.

تمدن‌های عمده و کنونی جهان را مشتمل بر ۷ یا ۸ تمدن غربی، کنفوسیوسی، اسلامی، ژاپنی، هندو، اسلاو - ارتدوکس، آمریکای لاتین و احتمالاً آفریقایی می‌داند. بسیاری بر این تقسیم‌بندی خرده گرفته و آن را ناشی از ضعف و کمی مطالعات وی در این باره محسوب نموده‌اند. برای نمونه، وی هیچ‌گونه تمایزی بین تمدن اسلامی، عربی و ایرانی قائل نیست و همه آنها را از يك قماش می‌داند و در تشریح نظریه خود درباره مرزهای خونین اسلام می‌گوید «روابط عرب با برده سیاه پوست در آفریقای کهن در قالب نظام برده‌داری، روشن‌ترین مظهر درگیری تمدن عربی - اسلامی و مردم غیرمسلمان جنوب بوده است.»^۸ هانتینگتون همچنین «خطوط گسل» میان تمدن‌ها را نقاط حساس و عامل بروز درگیری‌های آتی و جان‌شین مرزهای ایدئولوژیک و سیاسی ویژه دوران جنگ سرد می‌داند.^۹ او سعی دارد غربی‌ها را متقاعد سازد که کانون اصلی درگیری‌های آینده بین تمدن غرب و اتحاد جوامع کنفوسیوسی شرق آسیا و جهان اسلام است و این «آخرین مرحله تکامل درگیری‌ها» در جهان خواهد بود.^{۱۰} بر این اساس وی خواهان وحدت اروپا و آمریکا و دیگر کشورهای غربی و نیم کره غربی می‌شود و تحدید قدرت نظامی کشورهای کنفوسیوسی و اسلامی را لازم می‌داند.^{۱۱}

انگیزه‌های ارائه نظریه رویارویی تمدن‌ها

در توضیح اینکه هانتینگتون چرا و براساس کدام اندیشه و تفکری چنین نظریه‌ای ارائه نموده است می‌توان به چهار عامل ذیل اشاره کرد:^{۱۲}

۱- استفاده هانتینگتون از اصطلاح «برخورد تمدن‌ها» نشانه احساس غیردوستانه او نسبت به سایر تمدن‌هاست و بیشتر بار تهدیدآمیز دارد.

مروری بر نظریه هانتینگتون
متفکر شهیر آمریکایی، ساموئل هانتینگتون

نگاهی دیگر به رویارویی و گفت‌وگوی تمدن‌ها

بهنام صحرانورد ننه کران

۲- هانتینگتون برای ترساندن اروپا و حتی هشدار به دولتمردان آمریکا به منظور تحکیم نظریه «دشمن فرضی»، غرب را از نزدیک شدن تمدن اسلامی به تمدن کنفوسیوسی و اتحاد احتمالی این دو تمدن می ترساند.

۳- بحران‌های درون ساختار سیاسی و جناح‌های حاکم در دولت آمریکا، باعث طرح چنین نظریه‌ای شده است. حتی به اعتقاد برژینسکی «سکولاریسم عنان گسیخته حاکم بر نیمکره غربی در درون خود، نطفه ویرانی فرهنگ غرب را می‌پرورد. از این رو، آنچه ابرقدرتی آمریکا را در معرض زوال قرار می‌دهد «سکولاریسم» است نه «رویاری می‌تمدن‌ها». ۱۳ همچنین تحولاتی که در روند صنعتی شدن و نوسازی در آمریکا به وقوع پیوسته باعث بروز بحران‌هایی از جمله «از خود بیگانگی» و «از هم گسیختگی اجتماعی» شده ۱۴ تا جایی که اسوالدشینگلر انحطاط قریب‌الوقوع تمدن غرب را پیش‌بینی نموده است. ۱۵ از این دیدگاه، نظریه هانتینگتون درصدد ایجاد اتحاد بین دولتمردان آمریکا و برانگیختن توجه آنها به این مسئله است که ساختار سیاسی و اجتماعی این کشور نیازمند بازسازی است و شاید نیز در پی منحرف کردن افکار عمومی دنیا از بحران‌های داخلی آمریکا و سرپوش گذاشتن بر آن باشد.

۴- با توجه به خلأ موجود در سطح روابط بین‌الملل و با توجه به نظریه «ساتاریخ» فوکویاما، هانتینگتون درصدد ارائه نظریه‌ای در مقابل آن برآمده و بدین وسیله موجی عظیم و توجه‌برانگیز را در دریای پر جنر و مد روابط بین‌الملل پدید آورده است.

«پست مدرن‌ها» و «نگاه به آینده»

اندیشمندان نحله پسامدرن، مدعی‌اند که تاریخ مراحل اجتناب‌ناپذیری ندارد و هیچ‌گونه جبر یا قانونمندی کلی تاریخی در کار نیست

که همه کشورها تابع آن باشند. ۱۶ در نظر اینان، ایدئولوژی پیشرفت با بحرانی شدید رویو گردیده است و از این پس، آینده بیشتر «سرچشمه اضطراب» و نگرانی است نه «سرمشأ امیدواری». ۱۷ پست‌مدرن‌ها آینده را محصول حوادث غیرمنتظره می‌دانند و معتقدند که «تاریخ از حرکت بازایستاده و ما در دوران «پس از» به سر می‌بریم»؛ دورانی که دیگر نمی‌توان در آن معنایی غایی یافت. ۱۸ حتی بینش تاریخ‌انگاران پست‌مدرن، امور تاریخی و وقایع آن را به «کلکسیون از نوستالژی ناب» تقلیل می‌دهد ۱۹ و پژمرده شدن عقل سلیم را به این معنا می‌داند که يك «عقل همگانی» نمی‌تواند وجود داشته باشد. ۲۰

«جماعت پست‌مدرن» به‌طور کلی به آینده نه با خوش‌بینی، بلکه با بدبینی می‌نگرد و از این بابت می‌توان آنان را در شمار موافقان رویاری می‌تمدن‌ها دانست. آنجا که «زیگموند باومن» در نوشته‌ای با عنوان «جهانی شدن بعضی مردم، محلی شدن بعضی دیگر» ضمن آن که برهمگونی جهانی خط‌طلان می‌کشد، به خیزش هویت‌ها و قومیت‌های جدیدی اشاره می‌کند که به اعتقاد او هر يك براساس گفتاری در مقابل غرب صف کشیده‌اند. ۲۱

دیدگاه هانتینگتون درباره تمدن

در نگره هانتینگتون، تمدن عبارت است از «بالا‌ترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی که انسان به شدت از آن برخوردار است». در نقد این تعریف باید گفت که تمدن «مأمور» است نه «آمر» و انسان سازنده آن است و آن را برحسب سرشت، طبیعت و نیازهای خود شکل می‌دهد و با تغییر اوضاع و احوال دگرگونش می‌سازد. ۲۲ بنابراین، نخستین سنگ بنای تمدن‌سازی تحقق «اراده» يك ملت است که می‌خواهد هویتی مستقل پیدا کند. ۲۳ در شکل‌گیری این هویت مقتضیات محلی و اقلیمی، استعداد انسانی، سیر تاریخی و بسیاری

○ فرانسیس فوکویاما:
امروزه پرده مخملی
فرهنگ یعنی مهمترین خط
تقسیم در اروپا جای پرده
آه‌نین ایدئولوژی را گرفته
است.

موجبات دیگر دخیل است^{۲۴} و آنچه در این میان امکان بالقوه تمدن‌سازی را فعلیت می‌بخشد، خلاقیتی است که در سایه آزادی، دانش و دانایی شکوفا می‌شود.^{۲۵}

نقد فؤاد عجمی از نظریه «برخورد تمدن‌ها»^۳

یکی از کامل‌ترین انتقادات به نظریه هانتینگتون را فؤاد عجمی وارد کرده است که از دو منظر فکری و سیاسی نظریه یادشده را مورد ارزیابی قرار می‌دهد:

۱- از لحاظ فکری : مهم‌ترین انتقاد فؤاد عجمی به نظریه هانتینگتون حول محور «قدرت» و نقش «دولت ملی» در جوامع امروز متمرکز است.^{۲۶} با وجود این که هنوز دولت قدرتمندترین عامل در عرصه مسائل جهانی محسوب می‌شود هانتینگتون این حقیقت را نادیده گرفته است. منافع ملی از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است و حتی بنا به نظر برخی تا واحدهایی سیاسی به نام «کشور» وجود دارد، منافع ملی و چگونگی تأمین و حصول آن حرف اول و آخر را در سطح روابط بین‌الملل خواهد زد.

۲- از لحاظ سیاسی : عجمی برداشت هانتینگتون از جهان اسلام را مورد نقد آگاهانه قرار می‌دهد و معتقد است وی این گونه تعبیر را از شعارهای صدام حسین در جنگ خلیج فارس به عاریه گرفته^{۲۷} که در شرایط خاصی ارائه گردیده است که قابل تطبیق با آنچه در جهان امروزه شاهدیم، نیست.

دیدگاه «تافلرها» در مورد تمدن و رویارویی تمدن‌ها^۳

تافلرها، الوین وهیدی تمدن‌ها را از منظری دیگر تقسیم‌بندی نموده‌اند. آنان «تمدن را به یک شیوه زندگی تعریف می‌کنند که نظام ویژه‌ای را برای تولید ثروت در کنار خود دارد.»^{۲۸} این دو

عقیده دارند درحالی که بسیاری از تمدن‌ها و تمدن‌های فرعی در طول تاریخ سر برآورده و به زوال گراییده‌اند تنها دو «ابرتمدن» وجود داشته که همه دیگر تمدن‌ها را در دل خود جای داده‌اند.^{۲۹} اولی «ابرتمدن ده هزارساله کشاورزی» - که در زمان خود گونه‌های کنفوسیوسی، هندو، اسلامی یا غربی خاص خودش را داشت - و دومی «ابرتمدن صنعتی» - که تحولی شگرف در اروپا و آمریکا به وجود آورده است و همچنان در پی گسترش به دیگر نقاط زمین است.

تافلرها معتقدند تشبیه تاریخ به موج‌های دگرگونی پویاتر و گویاتر از سخن گفتن از گذار به «فرانوگرایی» است.^{۳۰} امواج پویایی دارد و زمانی که امواج تاریخ به هم می‌خورند، کل تمدن‌ها برخورد می‌کنند و این جاست که بزرگ‌ترین جابجایی قدرت در روی زمین رخ می‌دهد.^{۳۱} پس برخورد تمدن‌ها قطعی است اما نه آن‌سان که هانتینگتون می‌گوید و نه در امتداد خطوطی که او ترسیم می‌کند.^{۳۲} زیرا بزرگ‌ترین و کشنده‌ترین جنگ‌ها در دوران صنعتی، جنگ‌های درون صنعتی بوده است.^{۳۳} البته به اعتقاد تافلرها هیچ کس به طور دقیق نمی‌داند که آینده آستان چه حوادثی است یا اینکه در موج سوم - که در آن دانش و دانایی نیروی اصلی تولید است و در مقام عامل اصلی تعیین نیروی کار، اقتصاد بین‌الملل و رابطه بین کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه ایفای نقش می‌کند^{۳۴} چه چیز کارساز و مؤثر خواهد بود. آن‌گاه خود در جایی دیگر پاسخ می‌دهند که «باید به هزاران تجربه آگاهانه و پراکنده‌ای اندیشید که به ما امکان می‌دهد قبل از آن که طرحی را در سطح ملی و جهانی پیدا کنیم آن را در سطح محدود محلی و ناحیه‌ای بیاموزیم،^{۳۵} تا با دستمایه‌ای غنی گام در عرصه جهانی بگذاریم.

چرایی گفت‌وگوی تمدن‌ها^۳

اگر عده‌ای به رویارویی تمدن‌ها باور داشته

○ هانتینگتون می‌کوشد غریبان را متقاعد سازد که کانون اصلی درگیریهای آینده، بین تمدن غرب و اتحاد جوامع کنفوسیوسی شرق آسیا و جهان اسلام خواهد بود.

باشند و برای آمادگی در آن به تسلیح خودشان از نظر فناوری نظامی اقدام کنند، تا پاسخی برای «جاودانه بودن» خودشان پیدا کنند، باید بدانند که این «باور» (فریبی) مرگ بار است و در واقع تلاشی است با «سوءنیت» در جهت پوشاندن لباس «پاکی» بر تن «گناه». ^{۳۶} از دیگر سو، اگر بخواهیم «شاخص نزاع‌ها» را رویارویی تمدن‌ها بگیریم جنگ‌های درون تمدنی و درون مذهبی که سراسر تاریخ را می‌پوشانند و از جمله دو جنگ جهانی قرن بیستم را در «قلب اروپا» و در میان کشورهای که واجد يك تمدن و يك مذهب بوده‌اند چگونه توجیه کنیم؟ ^{۳۷} اینجاست که باید پرسید برای اینکه خانه مشترکمان، سیاره زمین، را منزلگاهی امن برای ملت‌ها سازیم چه باید بکنیم؟ ^{۳۸} آیا وجود تعارض میان تمدن‌ها باید به رویارویی آنها بینجامد؟ «اگر ما گذشته پر افتخاری داریم، بعد از ما هم بشر تجربه‌ای دارد و افتخارات آن هم کم نیست و دور از خرد و انصاف است که این تجربه عظیم را نادیده بگیریم و به دلیل تعارض‌هایی که داریم یکسره کنارش بگذاریم». ^{۳۹} و اگر می‌خواهیم تمدن بشری استمرار داشته باشد، یقیناً باید طرز تفکر حاکم بر دنیا تغییر کند. ^{۴۰}

در شرایط «جهانی شدن» و کثرت علایق در ایجاد فرهنگ مشترک زندگی، بسیار غیربدیهی و غیرعقلانی به نظر می‌رسد که هنوز عده‌ای بر «طبل جنگ» بکوبند و امکان «تنفس فرهنگی» را در دنیای به هم فشرده ناممکن ببینند. ^{۴۱} سیاستگذاران غربی هم کاملاً متوجه این نکته شده‌اند که «عصر تحکیم قدرت نظامی» و «اصل سلطه‌جویی» بی‌چون و چرا در نظام بین‌الملل به سرآمده و «عصر تعقل و احترام متقابل» بر روابط بین‌الملل حاکم شده است. ^{۴۲} باید در کمال «پاسداشت حرمت» و احترام متقابل به گرد یکدیگر جمع شد و با کم کردن فاصله‌ها در پی پر کردن خلأها بود؛ بروجوه مشترک تأکید و اصرار ورزید و سعی نمود تا آنجا که ممکن است

«افتراق‌ها» را به «اشترک‌ها» تبدیل کرد و ناگفته پیداست که این به معنای دور ریختن هر آنچه در طول تاریخ تحصیل شده، نیست. البته حفظ هویت فرهنگی به معنای «انحصارگری» و تعصب نیست. بلکه حفظ هویت تأکید بر تنوع فرهنگی دارد. حفظ هویت فرهنگی «تقلید ظاهری» و تکرار صوری «موراث فرهنگی» نیست، بلکه حفظ جریان مداوم «حیات فرهنگی» يك جامعه است. ^{۴۳} اندیشه گفت‌وگوی تمدنی نه تنها متضمن نفی تفکر برخورد تمدن‌هاست، بلکه بر آن است که در جهت غنی ساختن فرهنگ‌ها و تمدن‌ها گام بردارد و آنها را به سوی «همزیستی مسالمت‌آمیز» سوق دهد.

راهبرد گفت‌وگوی تمدن‌ها از نوعی «تعهد اعتقادی» ناشی می‌شود و اگر این راهبرد جدیدالولاده با دقت و درایت عملی شود، می‌تواند منادی موضعی «مساوات طلبانه» برای همه کشورهای باشد. ^{۴۴} مراد از گفت‌وگوی تمدن‌ها نه گفت‌وگوی دولت‌هاست و نه گفت‌وگوی ادیان ^{۴۵} بلکه مراد گفت‌وگو میان نمایندگان، دانش‌آموختگان، فرهیختگان، روشنفکران، آگاهان و نخبگان شایسته راهگشا و متنفذ در بین ملل و در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌ها و دولتمردان برجسته است، تا با ارائه راهکارهایی ضمن نزدیک ساختن جوامع به یکدیگر در پی رواج «تعقل» و «منطق» در سطح ملل مختلف باشند، شاید بدین طریق بتوان اندکی از «بیخ» روابط میان کشورها را «آب» کرد و «سراب» دور دست با هم بودن را به «واقعیت» تبدیل نمود. تز گفت‌وگوی تمدن‌ها خواهان ارائه راه‌حل‌هایی عملی برای تحقق ارزش‌های اصولی از جمله منافع ملی تمامی کشورهای است. «همکاری» به جای «منازعه» و «همزیستی» به جای «هم‌رنگی» مبنای این اقدام جدید است. ^{۴۶} گفت‌وگوی بین‌تمدنی، گفت‌وگوی زندگان است. گفت‌وگوی «مرده» با «زنده» معنا و مفهومی ندارد و تحقق نخواهد

○ نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها خواهان ارائه راه‌حلهایی عملی برای تحقق ارزش‌های اصولی از جمله منافع ملی تمامی کشورهاست.

یافت - چه تخیلی بیش نخواهد بود، مگر این که تمدن‌های «ماضی» به تمدن‌های «حال» تحویل شود.^{۴۷} و پلی واقع‌نگرانه بین «گذشته» و «کنون» کشیده شود. گفت‌وگوی بینا تمدنی می‌تواند «گوهر حیات» گردد.^{۴۸} مشروط بر اینکه خصمانه نباشد.

نتیجه‌گیری

گفت‌وگوی بیناتمدنی ضمن اینکه رسالت جهانی ماست باید، حامل پیغام «بازشناخت انسان» و «بازساخت انسان» نیز باشد و با «مجادلهٔ احسن» ضمن بری جستن از «وسواس خناس» از اسلام به عنوان پلی سترگ میان دو تمدن شرق و غرب بهره برد. پیش شرط این گفت‌وگو آن است که باید پیش از گفت‌وگو با دیگران، با «خود» به گفت‌وگو بپردازیم. ولی این خود، هویتی شکسته است که نیازمند بازآفرینی است.^{۴۹} باید «دندان زهر آگین فردگرایی خودمحورانه» را نیز کشید و فردگرایی را در قالب تعاون اجتماعی با رفاه و سعادت مادی و معنوی جمعی و همگانی پیوند داد.^{۵۰} آیا بشر خواهد توانست همان‌گونه که شیوه‌های تازه‌ای برای جنگیدن ابداع کرده است برای صلح نو نیز گام‌های عملی بردارد؟^{۵۱}

شاید علمای روشن‌بین، بتوانند با استفاده از تز ثقیل گفت‌وگوی بیناتمدنی «گردن‌بندی» شایسته را به «گردن عروس کامیابی انسان» بیاویزند و آسمان‌های «مه گرفتهٔ اندیشهٔ بشری» را آبی نمایند و «آوازه» صلح و صفا را «آویزه» گوش بشریت سازند تا هر دو تمدن اسلام و غرب به «برتر از صلح» بیندیشند و دیگران را نه با «تسلیمات» و «ثروت» خود، بلکه از طریق «جذابیّت معنوی اندیشه‌هایشان» تغذیه کنند.^{۵۲}

یادداشتها

۱. علی اکبر رضایی. «گفت‌وگوی تمدن‌ها: نظریه‌ها و روندها». فصل‌نامهٔ سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷.

۲. ساموئل هانتینگتون. «درگیری‌های سیاسی پس از جنگ سرد»، ترجمهٔ مجتبی امیری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹ (مهر و آبان ۱۳۷۵).

۳. همان.

۴. ر.ک. به: حسین سیف‌زاده. مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵، صص ۲۸-۷.

۵. برای آگاهی از نظریات کسینجر ر.ک.

جیمز دوئرتی. رابرت فالتزگراف. نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمهٔ علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶، صص ۱۸۶-۱۷۹.

۶. زیگنو برژینسکی هم مانند هنری کسینجر نظرات مشابهی دارد. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک. علی اصغر کاظمی، روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۳، صص ۵۴۷-۵۲۱.

۷. روی متحده، «نظریهٔ هانتینگتون از دیدگاه یک اسلام‌پژوه»، ترجمهٔ مجتبی امیری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹ (مهر و آبان ۱۳۷۵).

۸. همان.

۹. مجتبی امیری. «نظریهٔ رویارویی تمدن‌ها، از دیدگاه منتقدان»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۴-۷۳ (مهر و آبان ۱۳۷۲).

۱۰. همان.

۱۱. احمد سیف. «لیبرالیسم جدید در پایان قرن ۲۰»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۰-۹۹ (آذر و دی ۱۳۷۴).

۱۲. سه عامل اولی از این منبع گرفته شده است: علی بیگدلی، «ریشه‌یابی نظریهٔ برخورد تمدن‌ها»، فصل‌نامهٔ سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴.

۱۳. امیری، پیشین.

۱۴. عبدالعلی قوام، نقد نظریه‌های نوسازی و توسعهٔ سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، صص ۱۷.

۱۵. همان.

۱۶. محمد تقی قزلسفلی، «پست‌مدرنیسم و فروپاشی ذهنیت توسعه»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۲-۱۲۱ (مهر و آبان ۱۳۷۶).

۱۷. میشل مافزولی، «جماعت پست‌مدرن»، ترجمهٔ هوشنگ فرخجسته، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۲-۱۲۱ (مهر و آبان ۱۳۷۶).

○ مراد از گفت‌وگوی تمدن‌ها نه گفت‌وگوی دولتهاست و نه گفت‌وگوی ادیان بلکه مراد گفت‌وگوی فرهیختگان، روشنفکران، آگاهان و نخبگان شایستهٔ راهگشا و متنفذ در بین ملل و در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دولتهاست.

○ اندیشه گفت و گوی
تمدن‌ها نه تنها متضمن نفی
تفکر برخورد تمدن‌هاست
بلکه بر آن است که در
جهت غنی ساختن فرهنگ‌ها
و تمدن‌ها گام بردارد و آنها را
به سوی همزیستی
مسالمت آمیز سوق دهد.

۱۸. قزلسفلی، پیشین.
۱۹. همان.
۲۰. دانارویلا، «سامدرنیسم و حوزه عمومی»، ترجمه منصور انصاری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۱-۱۲۲ (مهر و آبان ۱۳۷۶).
۲۱. محمدتقی قزلسفلی، «پست مدرن‌ها و گفت و گوی تمدن‌ها»، عصر آزادگان، ۷ بهمن ۱۳۷۸.
۲۲. محمدعلی اسلامی ندوشن، «کدام رویارویی؟!»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۵-۷۶ (آذر و دی ۱۳۷۵).
۲۳. عطاءالله مهاجرانی، «تمدن نوین اسلامی»، فصل نامه راهبرد، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۵.
۲۴. اسلامی ندوشن، پیشین.
۲۵. مهاجرانی، پیشین.
۲۶. امیری، پیشین.
۲۷. همان.
۲۸. الوین تافلر، «برخورد امواج تاریخ یا رویارویی تمدن‌ها»، ترجمه مهدی بشارت، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۵-۷۶ (آذر و دی ۱۳۷۲).
۲۹. الوین وهیدی تافلر. جنگ و پادجنگ، ترجمه مهدی بشارت، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۵۱.
۳۰. همان، ص ۴۰.
۳۱. همان، ص ۴۱.
۳۲. الوین تافلر. «برخورد امواج تاریخ یا رویارویی تمدن‌ها» پیشین.
۳۳. همان.
۳۴. عباس منوچهری. «قدرت، مدرنیسم و پست مدرنیسم»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۱-۱۲۲، (مهر و آبان ۱۳۷۶).
۳۵. الوین تافلر. موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۹، ص ۶۱۰.
۳۶. میخائیل گورباچف. به سوی جهان بهتر، ترجمه منوچهر طلوعی، تهران، نشر نظر، ۱۳۷۰، ص ۲۳.
۳۷. اسلامی ندوشن، پیشین.
۳۸. گورباچف. پیشین، ص ۲۳.
۳۹. متن سخنرانی محمد خاتمی در خرداد ۱۳۷۳ در آملی تئاتر دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ شده در روزنامه صبح امروز، ۷ آذرماه ۱۳۷۸.
۴۰. گورباچف. پیشین، ص ۳۳.
۴۱. قزلسفلی. «پست مدرن‌ها و گفت و گوی تمدن‌ها»، پیشین.
۴۲. بیگدلی. پیشین.
۴۳. رضا دبیری نژاد. «گفت و گوی تمدن‌ها با دست‌مایه فرهنگی»، عصر آزادگان، ۲۱ اسفند ۱۳۷۸.
۴۴. حسین سیف‌زاده، «معمای گفت و گوی تمدن‌ها و هم‌زیستی فرهنگ‌ها»، فصل نامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، پاییز ۱۳۷۸.
۴۵. هاشم آغاجری. «شرایط امکان و امتناع گفت و گوی تمدن‌ها»، هفته نامه عصر ما، ۳۱ فروردین ۱۳۷۹.
۴۶. سیف‌زاده، پیشین.
۴۷. آغاجری، پیشین.
۴۸. مافزولی، پیشین.
۴۹. آغاجری، پیشین.
۵۰. سیف‌زاده. مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری، پیشین، ص ۱۹.
۵۱. تافلر، جنگ و پادجنگ، پیشین، ص ۲۹۱.
۵۲. مجتبی امیری. «ریچارد نیکسون و رؤیای آمریکا در جهان»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۹-۸۰ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳).